



## ارائه مدلی برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی کشور

علی کشاورز زاده<sup>۱</sup>، مجید قاسمی<sup>۲</sup>

۱ دانشجوی دکتری تخصصی برنامه ریزی توسعه آموزش عالی، دانشگاه کردستان، ایران نویسنده مسئول.  
۲ دانشجوی دکتری تخصصی برنامه ریزی توسعه آموزش عالی، دانشگاه کردستان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۲ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۶/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۵

### A model of investing in higher education in Iran

Ali keshavarzade<sup>1</sup>, Majid Ghasemi<sup>2</sup>

PhD student of higher education development planning. University of Kurdistan. Iran.  
(Corresponding Author.)

Majid ghasemi  
PhD student of higher education development planning. University of Kurdistan.

Email: [keshavarz.ali66@gmail.com](mailto:keshavarz.ali66@gmail.com)  
[gmajid13@gmail.com](mailto:gmajid13@gmail.com)

Received 13/08/2017, Revised 12/08/2017, Accepted 06/11/2017

### چکیده

بحران مالی جهانی در تمامی عرصه ها به طور ویژه عرصه های دانشگاهی نمود پیدا کرده است. بنابراین، تامین مالی و مدیریت منابع مالی مهمترین عامل بقاء دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی می باشد. پیامدهای این رکود در عرصه های دانشگاهی به نحوی سنگین خواهد بود که، منجر به تغییرات قابل توجه در ابعاد ملی و فراملی خواهد شد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، ارائه مدلی برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی کشور می باشد. با توجه به مبانی نظری و پیشینه کشورهای دنیا در زمینه مدل های تامین مالی و سرمایه‌گذاری در آموزش عالی، از طریق بررسی جامع مدل های تامین مالی و سرمایه‌گذاری در آموزش عالی، در ابتدا سه سناریو برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی کشور بیان شده، که هر کدام از سناریو های مطرح شده نشانگر، مدل خاص سرمایه‌گذاری درآموزش عالی می باشد. در مرحله بعد، مکانیسم های تامین مالی در سه مدل سرمایه‌گذاری بیان گردیده است. در نهایت ضمن در نظر داشتن شرایط کشور، مناسب ترین مدل سرمایه‌گذاری و مکانیسم ها انتخاب و راهکارهای تحقق آن ارائه شده است. با توجه به ملاحظات فوق، روش پژوهش حاضر، تحلیل کیفی استقرایی می باشد.

کلمات کلیدی: مدل سرمایه‌گذاری، آموزش عالی، رکود، مکانیسم انتخاب

## ۱- مقدمه:

اکثر دانشگاه های سراسر جهان اهداف مشابه ایجاد دانش را دارند(کلارک ، ۱۹۹۸). دانش به عنوان عنصر اصلی در ارتقاء سطح توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قراردارد که از طریق سه نقش آموزش، پژوهش و حکمرانی حاصل می شود (سدلاسک ، ۲۰۱۳). جهت تحقق نقش های مذکور، دانشگاه نیاز به آزادی علمی دارد که لازمه‌ی آن مستقل بودن دانشگاه از نظر منابع مالی است تا به دور از هر گونه نفوذ و تائیر سو، به وظیفه و عملکرد جوهری خود یعنی توسعه، دست یابد (میلوز و اسلامان ، ۲۰۱۳). امروزه مساله بحران مالی جهانی در تمامی عرصه ها به طور ویژه عرصه های دانشگاهی نمود پیدا کرده است. بنابراین، تامین مالی و مدیریت منابع مالی مهمترین عامل بقاء دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی می باشد(گالبرایت ، ۲۰۱۳). پیامدهای این رکود مالی در عرصه های دانشگاهی به نحوی سنگین خواهد بود که منجر به تغییرات قابل توجه در ابعاد ملی و فراملی خواهد شد(ولپ و همکاران ، ۲۰۱۵). در چنین شرایطی به نظر می رسد که، اصلاحات در سیستم های آموزشی ضرورت داشته باشد. اصلاحات در سیستم های آموزش عالی همانند دیگر سازمان ها، به دلیل ارتقاء سطح بهره وری، کارآبی و اثربخشی بیشتر توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مطرح شد(پل لیت و بوکارت ، ۲۰۰۰). اصلاحات در عرصه آموزش عالی تحت مفهوم مدیریت عمومی جدید بوده (داینیز و همکاران ، ۲۰۱۱) و اصلاح امور مالی، بودجه و سرمایه گذاری آموزش عالی را شامل می شود(پریتچارد و همکاران ، ۲۰۱۶).

تحقیقات نشان داده که نرخ بازگشت سرمایه در تمامی بخش های آموزش عالی به طور ویژه در بخش پژوهش و پشتیبانی آموزش عالی بسیار زیاد ارزیابی شده است(داینیز و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به بحران های مالی جهانی، دولت ها باید هزینه های عمومی خود را کاهش دهند، ولی در بخش آموزش عالی این کاهش معنایی ندارد و شامل این بخش نمی شود، چراکه، سرمایه گذاری در آموزش عالی یک راه مناسب برای توسعه اقتصادی و اجتماعی است. این عمل از طریق مزایای فردی و جمیع آموزش عالی در دو بعد مستقیم و غیره مستقیم حاصل می شود(کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا ، ۲۰۱۳).

تامین مالی آموزش عالی، مهمترین عامل اجرای استراتژی های آموزشی و بهبود سیستم آموزشی است که منجر به ارتقاء کیفیت آموزشی، دسترسی به آموزش عالی، افزایش کارآبی و بهبود نتایج پیشرفت تحصیلی شده است(میلوز و اسلامان ، ۲۰۱۳) و (مین اکسوان ، ۲۰۰۶).

مهمترین تفاوت‌های موجود در مدل‌های تامین مالی آموزش عالی در تامین مالی مستقیم و غیر مستقیم کشف شده است. با وجود تفاوت‌هایی در تامین مالی مستقیم و غیره مستقیم، مهمترین وظایف مدل‌های تامین مالی در آموزش عالی، افزایش بودجه دولت برای آموزش عالی، اعطای استقلال بیشتر در مدیریت منابع مالی، اطمینان از همیستگی مستقیم بین نتایج عملکرد و بودجه اختصاص یافته، ترویج تنوع منابع مالی و ایجاد همکاری بین موسسات تحقیقاتی می‌باشد (ارینا و ارینز ، ۲۰۱۵). از نظر اقتصادی، سرمایه گذاری در آموزش عالی اساساً به این دیدگاه بر می‌گردد که فرد با صرف هزینه‌هایی در آموزش و مهارت آموزشی خود، پس از جریان فارغ‌التحصیلی وارد عرصه بازار کار شده و به مرور اصل و سود حاصل از سرمایه گذاری در ابعاد فردی و جمعی به صورت مستقیم و غیره مستقیم به وی باز می‌گردد (سازمان همکاری توسعه اقتصادی، ۲۰۰۸). مطمئناً، بهترین مدل تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی وجود ندارد که بتوان در نظام آموزش عالی معرفی و اجرا کرد. بررسی پیمایشی اتحادیه اروپا تحت عنوان تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای از استقلال مالی دانشگاه‌ها در لیتونی، اسکاتلند، سوئد، دانمارک و رومانی (۲۰۱۵) حاکی از این است که، مدل ایده آل استقلال مالی آموزش عالی برای تعمیم به همه کشورها، وجود ندارد. بلکه، به شرایط داخلی و خارجی در طی زمان‌های متفاوت، باید مدلی مناسب اتخاذ کرد(آل، ۲۰۱۵).

بنابراین، ضرورت دارد که، تمام ذینفعان درگیر در فرآیند تصمیم گیری آموزش عالی، به راه حل‌های جدید فکر کرده و انتظارات خود را با منابع در دسترس به کار گیرند. با این وجود مهم است که، با در نظر داشتن شرایط بومی، محلی، ملی و فراملی و با توجه به اهمیت نسبی هر یک از مدل‌های تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی، با توجه به تجزیه و تحلیل مناسب پیامدهای کوتاه، متوسط و طولانی مدت، تصمیمات دقیقی اتخاذ شود (میلوز و اسلام‌دان، ۲۰۱۳).

میزان توجه و اهمیت سرمایه گذاری آموزش عالی در کشورهای دنیا متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال، یونسکو توصیه می‌کند ۶٪ از تولید ناخالص داخلی برای آموزش عالی اختصاص باید، در حالی که کمیسیون اروپا ۲٪ از تولید ناخالص داخلی برای آموزش عالی را توصیه دارد. در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، این نرخ در حدود ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی - در بلغارستان و رومانی، تا ۲/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی - در دانمارک، در نوسان است(میلوز و اسلام‌دان، ۲۰۱۳). در سال ۲۰۰۲، نروژ مدل جدید بودجه مبتنی بر عملکرد را برای آموزش عالی طراحی و در سال ۲۰۰۷ معرفی کرد. هدف اصلی این مدل، واکنش مناسبی به رشد تعداد دانشجویان و

هزینه های آموزش عالی می باشد. در واقع سیستم تامین مالی مبتنی بر عملکرد به نوعی می توان گفت، نتیجه محور می باشد. در این مدل، میزان انتشارات تحقیقاتی، و افزایش ارتباطات خارجی به عنوان ملاک اندازه گیری تخصیص بودجه و تامین مالی هر دانشگاه می باشد (سازمان همکاری توسعه اقتصادی، ۲۰۰۶). در اکثر کشورهای آمریکای لاتین، به استثنای شیلی، مذکوره و چانه زنی هنوز به عنوان مکانیسم مناسب مدل تامین مالی برای توزیع بودجه آموزش می باشد(آنا ، ۲۰۱۴ ، ۲۰۰۸). گزارش بیست و چهارم اقليمی سرمایه گذاری در کشورهای عربی (۲۰۰۸) برای اولین بار یک بخش در زمینه توسعه آموزش عالی اختصاص داده و اذعان به اهمیت در حال ظهرور آموزش عالی برای جهان عرب داشته است. تامین مالی و سرمایه گذاری دولتی در قالب کمک مالی و وام های دانشجویی به عنوان مهمترین استراتژی برای تامین مالی در کشورهای عربی می باشد(منار ، ۲۰۰۹).

در آمریکا، آموزش عالی بالاترین ردیف بودجه ای را دارا می باشد. با این وجود دانشگاه های آمریکایی دارای بالاترین میزان انعطاف در فرایند مدیریت، سرمایه گذاری و تامین مالی می باشند. مدیریت مالی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی آمریکا به دو صورت مرکز و غیره مرکز مدیریت می شود. سیستم های مدیریت مالی مرکز، فرایند مدیریت و رهبری آموزش عالی را از منظر مالی تسهیل کرده ولی دولت برای ایجاد انعطاف بیشتر در این عرصه، سیستم های غیر مرکز را پیشنهاد داده تا به نقطه بهینه و مطلوب دست یابند. بنابراین، فرمول تامین مالی و مدیریت منابع مالی در دانشگاه های آمریکایی بر اساس نقطه بهینه دو فرایند مدیریت مرکز و غیر مرکز مالی اداره می شود. در این بین، برای رسیدن به نقطه مطلوب، استفاده از نوآوری را به عنوان شرط لازم قلمداد کرده اند (لئو، ۲۰۱۲) و (دامستر ، ۲۰۱۶).

پژوهشی تحت عنوان ارزیابی از مدل های تامین مالی در کشورهای اروپای شرقی انجام شده که شامل کشورهای بلغارستان، جمهوری چک، قبرس، استونی، مجارستان، لتونی، لیتوانی، مالت، لهستان، رومانی، اسلواکی و اسلوونی شرقی می باشد. این پژوهش، فرمول های تامین مالی را به عنوان یکی از مهم ترین جنبه هایی که باید در ارزیابی از مدل های تامین مالی آموزش عالی مورد تأکید قرار گیرد. در لیتوانی فرمول ها برای برنامه های معتبر مورد استفاده قرار می گیرد، در مجارستان و رومانی استفاده از فرمولها تنها روش برای محاسبه بودجه دولتی موسسات آموزش عالی هستند، در بلغارستان برای محاسبه هزینه های تحصیل، ۶۰٪ تا ۶۵٪ از بودجه دولتی استفاده می شود. به طور معمول این فرمول ها، شامل شاخص هایی است که منابع

تخصیص یافته را مشخص می کنند، مانند تعداد دانشجویان، ثبت نام، تعداد کارکنان، و کل مساحت محل. همچنین، شامل شاخص های عملکرد، مانند کارآبی تحقیق یا تعداد دانشجویانی که در دوره مشخصی تحصیل کرده اند (بیروت و اورلیجا ، ۲۰۱۰). (ارینا و ارینز ، ۲۰۱۵).

(ارینا و ارینز (۲۰۱۵) در پژوهشی الگوهای تامین مالی کشورها اروپای شرقی را، تامین مالی مستقیم دولت، بودجه توسط صندوق های سرمایه گذاری مختلف اتحادیه اروپا، درآمد خود موسسات آموزش عالی، پروژه ها، عرضه خدمات، ثبت اختراقات و بودجه و هزینه تحصیلی که می تواند توسط خانواده دانشجو یا وام بانکی، شناسایی کرده است. دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا ، ابزارهای تامین مالی را به عنوان راه حلی برای مقابله با بحران های مالی در سازمان خود، پیشنهاد داده است. این ابزارهای تامین مالی شامل وام، ضمانت نامه یا تعهد به پاسخگویی، سهام بندی و واگذاری سهام و در نهایت شبیه حقوق صاحبان سهام می باشد (دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا ، ۲۰۱۶). در کشورهای آمریکای لاتین بخش عمده بودجه آموزش عالی از بودجه ایالتی است و افزایش هزینه های دولت، گسترش اخیر سیستم های آموزش عالی در سراسر منطقه را دچار بحران کرده است. به طور کلی، میزان هزینه های عمومی به عنوان درصد تولید ناخالص داخلی در سراسر دنیا به طور متوسط در حال افزایش می باشد. سیستم های تامین مالی برای آموزش عالی در آمریکای لاتین و کارائیب، به طور کلی، به منابع مالی نهادی (یا سنتی) و مبتنی بر شهریه دانشجو متکی هستند، همچنین، بیشتر منابع به موسسات اختصاص یافته بر اساس بودجه مذاکره شده و بر مبنای مبلغی می باشد که مؤسسات در گذشته و تلاش های لا بیگری خود دریافت کرده اند(ماریا و همکاران ، ۲۰۱۷). با این حال، با وجود کاهش بودجه مالی دانشگاه ها، افزایش هزینه های مالی و گسترش آموزش عالی، سیستم های دانشگاهی همچنان به رویه های گذشته ادامه داده است. این در حالی است که آنها برای مقابله با این تغییرات، می بایست اصلاحات ساختاری با هدف اجرای سیستم های تامین مالی کارآمد، بهینه و عدلانه انجام دهند. مکانیسم های تامین مالی و راهکارهای تحقق آنها، به عنوان بخشی از اصلاحات ساختاری است که، گسترش کارا، اثربخش و بهره ور نظام آموزش عالی حفظ خواهد کرد (ماریا و همکاران ، ۲۰۱۷).

به موجب ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، دانشگاه ها صرفاً براساس آیین نامه ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاصی که به تصویب هیئت های امنی مربوط میرسد و مورد تایید وزیر ذیریط قرار می گیرد، اداره می شوند. اعتبارات

هزینه ای از محل بودجه عمومی دولت و براساس بهای تمام شده به دانشگاه ها اختصاص می یابد و اعتبارات تخصیص یافته، کمک دولت تلقی می گردد. از سوی دیگر، کمک مذکور به دانشگاه های دولتی بر مبنای هزینه سرانه تعیین می شود. از آنجا که نظام بودجه ریزی آموزش عالی کشور سنتی بوده و در بودجه ریزی سنتی عوامل مهمی چون اثربخشی، کارایی، صرفه جویی و بازدهی در قبال مصرف منابع نادیده گرفته می شود، لذا بیم آن می بود که از منابع به درستی استفاده نشود. از طرفی افزایش و کاهش بودجه دستگاه ها تابع عواملی غیر از شاخص های هزینه ای بوده و بر پایه قدرت چانه زنی افزایش می یابد. میزان پاسخگویی و سنجش میزان مسؤولیت در این روش کاری کمنگ می باشد. شیوه کنونی بودجه ریزی برای دانشگاه های کشور براساس بودجه ریزی برنامه ای است(کردی، ۱۳۹۰).

در نقشه جامع علمی کشور، به افزایش سهم هزینه های آموزش و پژوهش به میزان ۴ و ۷ درصد از تولید ناخالص ملی اشاره شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص. ۹)، ولی در سند تحول بنیادین آموزش و پژوهش(سند راهبردی آموزش و پژوهش، ۱۳۹۰، ص. ۵۴)، تنها تعداد محدودی از راهکارها به تأمین و تخصیص منابع مالی اختصاص یافته است.)

rstه مقدم و نادری (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان داده اند که، در رشته هایی که دارای تقاضای اجتماعی و نرخ اشتغال بالایی هستند از الگوی تأمین مالی بازاری و شبه بازاری استفاده شود و در سایر رشته ها که بخش غیردولتی تمایل به سرمایه‌گذاری در آنها را ندارد، بهره‌گیری از الگوی دیوانسالارانه (دولتی) در اولویت قرار گیرد.

توفیقی و فراستخواه (۱۳۹۳) بهترانگی در پژوهشی که به منظور بررسی، آسیب شناسی و طراحی الگوی مطلوب اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی در توسعه آموزش عالی ایران انجام داده اند، ضمن مرور مدل های تنوع خشی منابع مالی در آموزش عالی کشورهای منتخب، معتقدند که الگوی مناسب برای افزایش دسترسی به آموزش عالی در ایران، الگوی دورگه ی عمومی-خصوصی در سطح سیستم کلان آموزش عالی است که در آن از یک سو حمایت های عمومی و دولتی از آموزش عالی و جریان یارانه به گروه های هدف و نیز نظارت های ملی از طریق استقرار استانداردها و شاخص های کیفی و نظام خود ارزشیابی دانشگاهی و سازوکارهای مؤثر اطمینان از کیفیت وجود داشته باشد و از سوی دیگر محیط حقوقی و فرهنگی و اجتماعی مساعد برای مشارکت مردمی و غیردولتی و تأسیس و توسعه بخش خصوصی مستقل، آزاد،

کارآفرین و خلاق در سرمایه‌گذاری و مدیریت آموزش عالی فراهم آید(توفيقى، جعفر و فراتخواه، مقصود، ۱۳۹۳).

مطالعه سعیدی (۱۳۹۲) که باهدف مشخص نمودن الگوی فعلی تخصیص منابع و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن در دانشگاه های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با استفاده از روش تحقیق توصیفی (از نوع همبستگی) و به کمک فرمهای جمع آوری اطلاعات صورت گرفته است، نشان داده، بزرگترین ضریب مثبت در تابع تخصیص منابع مالی به دانشکده ها، مربوط به متغیر تعداد اعضای هیئت علمی است. یافته های این پژوهش، به عنوان جدیدترین مطالعه صورت گرفته نشان می دهد، همچنان رویکرد نهاد همحور در تخصیص منابع مالی نظام آموزش عالی کشور حاکمیت دارد.

انتظاری و محجوب (الف) پژوهشی که با هدف مشخص کردن سازوکارهای مناسب و مطلوب تأمین مالی آموزش عالی در کشور و با روش فرا تحلیل کیفی و رتبه بندی از طریق فرایند تحلیل سلسله مراتبی صورت گرفته است، نشان داد از بین ده روش تأمین مالی که با رویکردهای عرضه مدار یا تقاضا محورشکل گرفته اند، روش پرداخت وام مشروط به درآمد دانشجویان در چارچوب خدمات آموزش عالی (که برگرفته از رویکرد تقاضامحور است)، برای ایران مناسب است.

عزتی و نادری (۱۳۸۸) در پژوهشی که باهدف بررسی تأثیر سازوکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروههای آموزشی دانشگاه تهران، نشان دادهاند، عملکرد آموزشی بین گروه های آموزشی از نظر آماری به طور معناداری متفاوت است. میزان عملکرد آموزشی طی دوره مورد مطالعه افزایش چشمگیری داشته است، هر یک از گروهها روند افزایش عملکرد متفاوتی را تجربه کردهاند، سازوکار تخصیص منابع مالی، عملکرد آموزشی گروهها را بهطور مثبت و معنادار تحت تأثیر قرار می دهند، تغییر سازوکارهای مالی از جمله اخذ شهریه از دانشجویان مشروط در شرایطی که گروه های آموزشی برای تحقق اهداف خود با محدودیت مالی مواجه هستند، تأثیر زیادی بر عملکرد آموزشی دارد و درنهایت اینکه گروه های مذکور به انگیزه های مالی، واکنش مثبت نشان می دهند.

یافته های نادری (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان توان مالی دولت و سایر راههای تأمین مالی آموزش عالی نشان داده است که، مخارج بخش آموزش عالی تحت تأثیر شدید نوسانات درآمدهای

نفی بوده است، مخارج واقعی به ازاء هر دانشجو، ضمن اینکه با نوسانات زیادی مواجه بوده، به طور کلی کاهش یافته است، با توجه به نقش رو به تکامل آموزش عالی، استمرار تأمین منابع مالی مطابق روال گذشته، با مشکل جدی مواجه خواهد بود، ناکارآمدی تخصیص اعتبارات، قابل توجه است و با افزایش کارآبی می توان بخشی از نیازهای مالی را فراهم نمود و توجه بیشتر به منابع مالی غیر از درآمدهای عمومی دولت از جمله مشارکت متقاضیان در تأمین منابع مالی گریز ناپذیر است.

قارون (۱۳۸۰) به استناد شاخص های مختلف نشان داده است که وضعیت مالی بخش آموزش عالی دولتی ایران برای پاسخگویی به تقاضای فزاینده برای آموزش عالی منابع کافی در اختیار ندارد و سهم بودجه آموزش عالی از تولید ناخالص ملی کشور در مقایسه با سایر کشورهای جهان بسیار کم است. وی در ادامه به بررسی راههای تدارک منابع مالی جدید از طریق دانشجویان (وام)، اعطای سند هزینه، طرح پیشپرداخت شهریه، مالیات دانش آموختگان، مالیات بر لیست حقوق و مالیات خاص می پردازد و معتقد است اولین و ساده ترین روش برای کسب درآمد در آموزش عالی ایران از طریق درآمدهای اختصاصی و وضع مالیات های خاص است.

قارون (۱۳۷۵) در پژوهشی معتقد است که، در مسیر تنوع بخشی منابع مالی در بخش آموزش عالی دولتی ایران باید به کسب درآمد از طریق شهریه، فروش خدمات دانشجویی، فروش خدمات پژوهشی و فروش دانش فنی دانشگاهیان و همچنین اجاره دادن فضاهای آموزشی و کمک آموزشی به بخش خصوصی توجه کرد.

نورشاھی (۱۳۷۲) در پژوهشی معتقد است که، اختصاص سهم بیشتری از بودجه عمومی دولت و درآمد ناخالص داخلی به بخش آموزش عالی را از راهکارهای جبران کسری بودجه دانشگاه ها در ایران می داند.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه کشورهای دنیا در زمینه مدل های تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی، پژوهش حاضر از طریق بررسی جامع از مدل های تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی، در ابتدا سه سناریو برای سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور پیشنهاد داده است. هر کدام از سناریو های مطرح شده نشانگر مدل خاص سرمایه گذاری آموزش عالی می باشد. در مرحله بعد، مکانیسم های تامین مالی در سه مدل سرمایه گذاری پیشنهادی ارائه خواهد شد. در نهایت ضمن در نظر داشتن شرایط کشور مناسب ترین سناریو، مدل سرمایه گذاری و

مکانیسم های تامین مالی ارائه شده آن، انتخاب و مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. با توجه به همه ملاحظات، سوال اساسی پژوهش حاضر این است که، با توجه به شرایط کشور، مناسب ترین مدل سرمایه گذاری آموزش عالی چیست؟

## سوالات پژوهش

سوال اول ساریوهای سرمایه گذاری آموزش عالی چیست؟

سوال دوم: مکانیسم تامین مالی در مدل سرمایه گذاری پیشنهادی چیست؟

سوال سوم: راهکارهای تحقق مکانیسم های پیشنهادی چیست؟

### روش شناسی پژوهش

#### بخش اول: تحلیل اسناد

پژوهش حاضر به منظور ارائه مدلی برای سرمایه گذاری در عرصه آموزش عالی کشور از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی استفاده کرده است. به این منظور، پژوهش حاضر با استفاده از اسناد و داده های حاصل از مصاحبه با برخی مسئولین و صاحب نظران، مدلی برای سرمایه گذاری در عرصه آموزش عالی کشور ارائه خواهد کرد. استفاده از رویکرد استقرایی که از آن با عنوان تحلیل محتوای متعارف هم نام برده شده است، بیشتر زمانی ضرورت می یابد که اطلاعات کافی درباره یک پدیده وجود ندارد و محقق می خواهد دانش زمینه ای لازم را از طریق اسناد و داده های حاصل از مصاحبه در این خصوص فراهم کند. این شیوه تحلیل محتوا بیشتر به دنبال تقلیل اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است. در اینجا هدف تحقیق استقرایی، کمک به پدید آمدن یافته های تحقیق از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در داده هاست (توماس، ۲۰۰۲، ۱). این امر بدان معناست که، محقق با رجوع به داده های مورد مطالعه، به تدریج آنها را خلاصه می کند تا در نهایت به اصلی ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق دست پیدا کند (تبریزی، ۱۳۹۳). درخشش اول پژوهش، به منظور پاسخگویی به دو سوال اول، از بررسی محتوایی اسناد در پژوهش های موجود استفاده شده

1 . Thomas

است. مراحل انجام این پژوهش شامل سه مرحله آماده سازی، سازماندهی و گزارش را شامل می شود(هسئو، فانگ و شانون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵ و الو و کینگاس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷ به نقل از تبریزی، ۱۳۹۳).

آماده سازی شامل، انتخاب موضوع تحقیق و انتخاب واحدهای تحلیل می باشد. با توجه به موضوع تحقیق، محقق در مرحله آماده سازی تصمیم می گیرد. پس از فراهم آوردن این مقدمات می توان به سازماندهی اطلاعات و سپس ارائه گزارش پرداخت. مرحله سازماندهی اطلاعات، از کدگذاری اطلاعات آغاز می شود. محقق با توجه به محتواهی هر واحد، مفاهیم گویایی را بدان اطلاع می کند. این مرحله که مرحله کدگذاری اولیه است با گذشت زمان و با مطالعه بیشتر می توان به اصلاح مفاهیم و مضمون های استخراج شده اقدام کرد. با مرور کدهای به دست آمده می توان به کدهایی دست یافت که با عنوانیں گوناگون تکرار شده و بیش از یک مفهوم را پوشش می دهند. جمع آوری کدهای مشابه در کنار هم، زمینه ایجاد مقولات مستتر در متن را فراهم می آورد. در رویکرد استقرایی، مقولات، زاییده متن هستند و برای سازماندهی مفاهیم و مضماین در قالب مجموعه های معنادار به کار می روند(توماس، ۲۰۰۶ و ویلکینسون و بیرمینگام<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳ به نقل از تبریزی، ۱۳۹۳). در قسمت پاسخ به سوالات اول و دوم همین بخش را با سوالات پژوهش همراه و مطابقت بدھید

### بخش دوم: مصاحبه با متخصصان

مشارکت کنندگان این پژوهش متخصصان و پژوهشگران حیطه آموزش عالی می باشد. این افراد به واسطه موقعیت خود، ارتباط نزدیکی با مساله پژوهش حاضر داشته و نسبت به نظام آموزش عالی کشور اطلاعات کافی در اختیار دارند. نظر به ضرورت بهره‌گیری از دیدگاه‌های افراد شاخص در قلمرو موضوعی تحقیق با استفاده از روش نمونه گیری گلوله بر فری افراد واحد شرایط برای مصاحبه انتخاب شدند. پس از مصاحبه هجدهم، اشباع نظری داده‌ها حاصل گردید، ولیکن در جهت اعتباربخشی به یافته‌ها، مصاحبه‌ها تا ۳۰ نفر ادامه یافت. با توجه به نظری بودن نمونه در نهایت از ۳۰ نفر مصاحبه به عمل آمد است. نمونه گیری نظری، شیوه‌های از جمع آوری داده بر مبنای مفاهیم و موضوعات است که از داده، نشأت می گیرد. نمونه گیری از افراد تا زمانی ادامه یافت که به اشباع نظری برسد. اشباع نظری، هنگامی رخ می

1 . Hsieh-Fang &Shannon

2 . Elo & Kyngas.

3. Wilkinson & Birmingham

دهد که طبقه تازه ای از داده ها قابل استخراج نیست. در مجموع از مصاحبه با ۳۰ نفر از متخصصان، اشباع اطلاعاتی حاصل شد. متوسط سن پاسخ دهنگان ۴۸ سال، تمامی مشارکت کنندگان دارای مدرک دکتری تخصصی در گرایش های آموزشی (۱۰ نفر)، مدیریت (۱۰ نفر)، بازاریابی (۱۰ نفر) می باشد، متوسط ساله تدریس آنها ۱۵ سال می باشد، ۵۰ درصد از متخصصین دارای درجه علمی دانشیاری، ۱۰ درصد استادی و ۴۰ درصد دیگر از متخصصین دارای درجه استادیاری می باشند.

جهت گردآوری داده های مورد نیاز از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده که در ابتدای مصاحبه توضیحات کلی در مورد تحقیق و هدف های آن به مصاحبه شونده ارائه و سپس مصاحبه آغاز می شد. مدت زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بوده و جهت بررسی یی مصاحبه های صورت گرفته از دو روش بررسی همکاران و تطبیق اعضا استفاده گردید. بدین ترتیب گزارش نهایی تحلیل و مقوله های به دست آمده توسط ۶ نفر از متخصصین حوزه آموزش عالی مورد بازبینی و تعديل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل مصاحبه ها نیز از روش تحلیل تم استفاده شده است. ابتدا متن هر مصاحبه چند بار خوانده شد و جمله های اصلی آن استخراج و به صورت کدهایی ثبت شد، سپس کدهایی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه بود، به صورت مقوله ها یا دسته هایی تنظیم گردید.

شكل شماره (۱). مدل مفهومی سرمایه گذاری در آموزش عالی.

سناریوهای مطرح شده برای سرمایه گذاری در آموزش عالی، در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

| سناریوی اول: آموزش عالی به عنوان یک کالای خصوصی تحت مسئولیت خصوصی | سناریوی دوم: آموزش عالی به عنوان یک کالای عمومی تحت مسئولیت عمومی   | سناریوی سوم: آموزش عالی با مسئولیت ترکیبی   |
|---|---|---|
| سازمان توزیع  | وضعیت ابده آل است که در آن بسیاری از سطوح توزیع با روشن های تصمیم گیری دموکراتیک روش بازار مانند اداره شود. | وضعیت ابده آل فعل و افعال بین روش های بازار و روش های تصمیم گیری دموکراتیک اداره شود. |
| مهیت خروجی (عمومی در مقابل خصوصی)                                 | ناکد بر خروجی های خصوصی   | ناکد بر خروجی های عمومی و خصوصی.  |
| نظام اداره کننده  | بازار   | دولت  |
| سیاستگذاری کلان   | غیره متمرکز   | متمرکز  |
| تامین مالی  | بازار-بخش خصوصی   | دولت-بخش عمومی  |



## سوال اول: سناریوهای سرمایه‌گذاری آموزش عالی چیست؟

برای پاسخگویی به این سوال پژوهش، با بررسی متون مختلف سناریوهای و دسته‌بندی‌های متفاوت از سرمایه‌گذاری آموزش عالی (کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳؛ نیک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۵؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۶؛ برگان و وبر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵؛ کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶؛ اربو و بن نورث<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷؛ مولد و ولی، ۲۰۰۸؛ دانشگاه‌های انگلستان<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹؛ گادرد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵؛ مارگینسون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷؛ بیروت و اورلیجا<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰؛ دامستر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۶ و میلوز و اسلامانا<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۳)، در نهایت سه سناریو اصلی از کدندی انجام شده استخراج شده است. در مرحله بعد، با استفاده از فن تحلیل تم‌های به دست آمده از سه سناریو منتخب، برای هر کدام از سناریو‌ها، نوع نگاه به آموزش عالی، رویکرد، سازمان متولی، خروجی، نقاط قوت و ضعف آن نیز مشخص شده است. بنابراین، در هر سناریو مطرح شده، زمینه اصلی سیاسی و ایدئولوژیکی که در آن سناریو تعییه شده است، روشن شده، سپس، توضیح برخی مفروضات کلیدی، نقاط قوت و ضعف برای توسعه هر سناریو، مورد توجه قرار گرفته است.

### سناریو اول

آموزش عالی را به عنوان کالای خصوصی در نظر گرفته که سازمانها و نهادهای خصوصی آن را اداره کرده و دولت در آن هیچ دخالتی نمی‌کند. در این سناریو تأکید بر ویژگی‌های خصوصی

- 
- 1 . The European Students' Union
  - 2 . Nik
  - 3 . Bergan and Weber
  - 4 . The European Students' Union
  - 5 . Arbo & Benneworth
  - 6 . Universities UK
  - 7 . Goddard,
  - 8 . Marginson
  - 9 . Birutė and Pūraitė

و شخصی فرد در ابعاد ورودی و خروجی می‌باشد. مکانیسم توزیع در این سناریو توسط بازار در عرصه خصوصی صورت می‌گیرد. این سناریو در سیستم‌های آموزش عالی غیرمت مرکز و ایالتی مطرح است. در این سیستم با وجود اداره شدن توسط ملاحظات بازاری در عرصه بازار خصوصی، نمی‌توان از تاثیر نفوذ‌های سیاسی در این مورد غافل شد. برخی از مفروضات اساسی که برای توسعه این سناریو لازم است به شرح ذیل می‌باشد: افراد به عنوان ذی نفعان اصلی آموزش عالی شناخته می‌شوند؛ مدرک تحصیلی بالاتر، درآمد بالاتری در پی خواهد داشت؛ آموزش عالی به عنوان کالایی خصوصی مطرح می‌باشد و شخص باید خود هزینه آن را بپردازد. در این صورت دسترسی به آموزش عالی خود به خود تنظیم می‌شود؛ خروجی‌های پژوهش‌ها، به عنوان کالاهایی مطرح می‌باشد که، برای اطمینان از دانش تولید شده توسط موسسات آموزش عالی، از طریق حقوق مالکیت معنوی دقیقی محافظت می‌شود؛ یک بازار واقعی، منصفانه، متنوع و رقابت‌پذیر برای محصولات دانش بنیان ایجاد می‌شود؛ کارآفرینی خصوصی در این بازار در توزیع محصولات، تولیدات و خدمات، در جذب سرمایه انسانی و جذب سرمایه گذاران رقابت می‌کند؛ توزیع منابع بین موسسات آموزش عالی و نیز توزیع محصولات دانش از طریق عملکرد آزاد نیروهای بازار تنظیم می‌شود؛ دخالت دولت در آموزش عالی محدود است. نقش دولت محدود به روش‌های تضمین کیفیت خارجی است؛ خصوصی سازی به صورت گسترده‌ای از نتایج آموزش عالی از منظر نئولیبرالی مورد بحث قرار می‌گیرد، و بازار به طور طبیعی بهترین راه برای توزیع کالاهای خصوصی است؛ با توجه به مشارکت در آموزش عالی، گفتمان نئولیبرالی در مقایسه با مزایای اجتماعی تأکید زیادی بر منافع شخصی دارد؛ توزیع بودجه از طریق مکانیسم‌های بازار صورت می‌گیرد.

### نقاط قوت

- ۱- دانشجویان به عنوان مشتریان در نظر گرفته می‌شوند، بنابراین با قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در مورد برنامه درسی و آموزشی خود و انتخاب ماذول‌هایی که می‌خواهند مطالعه کنند، دارا می‌باشند ۲- موسسات آموزش عالی باید در بازار رقابت و کیفیت، آموزش و یادگیری خود را بهبود بخشنند، زیرا تنها بهترین برنامه‌های آموزشی موفق تر جامعه هدف بیشتری را جذب خواهند کرد ۳- افزایش کیفیت کلی مهارت‌های ارائه شده به دانشجویان برای موفق شدن در حرفه و شغل آینده خود ۴- تمامی ذی نفعان می‌توانند مستقیماً در فرایندهای تصمیم‌گیری‌های آموزش عالی خود به عنوان مصرف‌کننده شرکت کنند ۵- دسترسی به سرمایه بهتر

به علت وجود محیط کارآفرینی ۶- نابرابری ها در توزیع دانش متعادل تر می شوند، زیرا دانشجویان از کشورهای غیر صنعتی و استعماری سابق، امکان دسترسی پیدا کرده، و به همین ترتیب به درجه ها و دانشگاه های سراسر جهان می رسند.

### نقاط ضعف

۱-دانشجو به عنوان مصرف کننده در نظر گرفته می شود، بنابراین، مزایای فردی و منافع آنها را در جهت دستور کار آموزشی و برنامه درسی بکار می گیرند ۲- موسسات آموزش عالی تمایل دارند واکنش بیشتری به کسانی که می توانند سرمایه بیشتری را جذب کنند، داشته باشند. موسسات آموزش عالی در رقابت برای سرمایه، خدمات خود را به نیازهای گروه های هدف انتخاب می کنند که می توانند هزینه های تحصیل و یا افزایش اعتبار نهادی را افزایش دهد. بنابراین، گروه های بدون دسترسی سرمایه، به حاشیه رانده می شوند ۳- کیفیت مهارت هایی که دانشجویان برای آینده خود به دست آورده اند، جامع، و منعطف نبوده و در برخی از موارد از بین می روند. سرمایه گذاران خصوصی بیشتر در سازگاری آن با نیازهای بازار، بیشتر از دانشجویان با مهارت های ویژه ای استفاده کرده که این مورد با جامعیت و انعطاف مهارتی دانشجویان ناسازگار می باشد. بنابراین، دانشجویان نمی توانند به تغییر در مهارت های مورد نیاز برای حرفة های آینده خود به دلیل تعهد خود به سرمایه ی سرمایه گذار، واکنش نشان دهند ۴- تاکید بیشتر بر روی قابلیت اشتغال قرار می گیرد. بنابراین، دانشجویان بیشتر به رشته هایی که، آینده شغلی و یا به تعییری کلی تر، بازار کار بهتری برخودارند، تمایل دارند. بنابراین، انتخاب رشته تحصیلی مبتنی بر بازده تخمينی سرمایه گذاری یا حقوق و دستمزد فارغ التحصیل بوده و می تواند تبعات زیادی را در سیستم آموزش عالی داشته باشد ۵- دسترسی به آموزش عالی محدود به کسانی است که می توانند هزینه آن را پپردازند. نابرابری در سیستم آموزش عالی رخ داده و به تبع آن شکاف طبقاتی در جامعه بیشتر می شود ۶- جایی که بورس تحصیلی صرفاً بر اساس عملکرد تحصیلی دانشجویان ارائه می شود، دانشجویان با زمینه های محروم و یا مدارس نامطلوب، از شانس کمتری بهره مند هستند ۷- آزادی آکادمیک دانشجویان مورد تهدید قرار می گیرد ۸- کسب اشتغال برای فارغ التحصیلان دشوار است، زیرا بازار کار بیشتر برای دانشجویانی

که دارای مدارک علمی، فنی، مهندسی و ریاضی هستند، بیشتر تمرکز می کند ۹- رشته های علوم انسانی به حاشیه رانده می شود.

### سناریو دوم

آموزش عالی به عنوان کالایی عمومی و تحت مسؤولیت عمومی در نظر گرفته شده است. در این سناریو وظیفه ارائه آموزش عالی توسط دولت حاکم تعریف شده و در ورودی و خروجی آن تأکید بر عمومی بودن آموزش عالی می باشد. سازمان توزیع در این سناریو، با روش تصمیم گیری دموکراتیک عمل می کند و بیشتر در نظام های آموزش عالی متمرکز مطرح است. در این مدل بروکراسی اداری به نحو کامل اجرا می شود. علاوه بر این، دولت تمامی قوانین، مقررات، سازمان و نیروی انسانی را خود تعیین نموده و سیاست های و جهت گیری های آموزش عالی را خود بر عهده دارد. برخی از مفروضات اساسی لازم برای توسعه این سناریو به شرح ذیل می باشد: آموزش عالی به عنوان یک مسؤولیت دولتی و عمومی مورد توجه قرار گیرد؛ مفهوم کالاهای عمومی از تجزیه و تحلیل اقتصادی نقش دولت در تخصیص منابع حکایت دارد؛ کالاهای عمومی با دو ویژگی تعریف می شوند، عدم تعویض و غیره رقابتی بودن. عدم تعویض به معنای: غیرممکن است که غیرقابل استفاده شود، غیر رقابتی در مصرف به این معنا می باشد که، افرادی که اضافی مصرف می کنند، به نفع دیگران نیست؛ آموزش عالی به عنوان یک مسؤولیت عمومی و دولتی مطرح می شود. دولت آموزش عالی را از طریق درآمدهای مالیاتی، تأمین مالی می کند، به طوری که دانشجویان هیچ هزینه ای جهت تحصیل در زمان اشتغال به تحصیل یا پس از فارق التحصیلی پرداخت نمی کنند. این روند، چرخه ای است که به موجب آن از حقوق و دستمزد فارغ التحصیلان مالیات گرفته می شود و برای نسل های آینده تامین مالی می شود؛ دسترسی برابر به آموزش عالی بدون در نظر گرفتن زمینه های اجتماعی و اقتصادی اهمیت کلیدی دارد. تحرک اجتماعی هدف اصلی آموزش عالی است؛ دولت به عنوان تنها مؤسس، دارای سطح معینی از کنترل است، یعنی نهادها به طور کامل مستقل نیستند (درجه خودمختاری ممکن است بسته به شرایط ملی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره متفاوت باشد)، بنابراین، بر آزادی آکادمیک تاثیر می گذارد؛ آزادی آکادمیک در محیط های دانشگاهی توسط گروه های فشار یا دولت به خطر نمی افتد.

### نقاط قوت

۱- حمایت مالی از دانشجویان، به آنان اجازه می دهد تا زمان بیشتری برای تمرکز بر مطالعات خود داشته باشند ۲- فرصت های بیشتری برای دانشجویان بالقوه مستعد، برای ورود به عرصه آموزش عالی وجود دارد ۳- نوع نگاه به توسعه آموزش عالی، نگاه فرهنگی می باشد ۴- تعهد دولت برای تأمین مالی، موسسات آموزش عالی را قادر می سازد تا تأکید بیشتری بر تدریس و پژوهش داشته و با جذب منابع مالی از طریق منابع خصوصی مقابله کند ۵- همبستگی مثبت بین سطوح سرمایه گذاری عمومی و سطح مشارکت در آموزش عالی وجود دارد ۶- توسعه اقتصادی و اجتماعی متعادل و انعطاف پذیر است ۷- به انسجام اجتماعی و انعطاف پذیری کمک می کند ۸- مشارکت فعال در جوامع، دموکراتیک است.

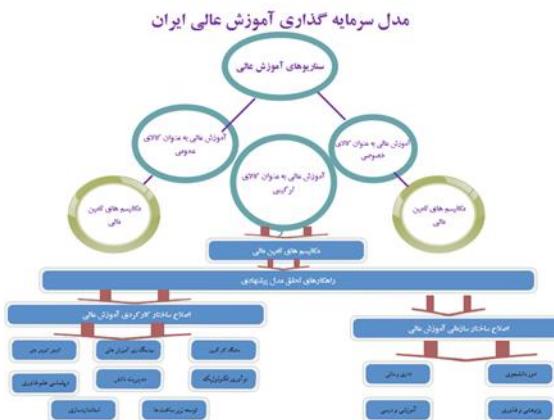
## نقاط ضعف

۱- بحران اقتصادی دولت ها با تأمین مالی بیشتر برای موسسات آموزشی با توجه به روند رو به رشد آن، بیشتر خواهد شد ۲- آزادی علمی آموزش عالی محدود شده و دانشگاه نمی تواند قدرت و نفوذ دولت مرکزی در امور آموزش عالی را کنترل کند که این به نوبه خود باعث کاهش شدید افت علمی آموزش عالی می شود ۳- استقلال نهادی موسسات آموزش عالی و دانشگاه ها از بین خواهد رفت ۴- منابع مالی هدر رفته ، سطح بپروردگاری، اثربخشی و کارایی آموزش عالی کاهش خواهد یافت ۵- اشتغال دانشجویان در برخی از رشته ها به طور ویژه رشته های علوم انسانی و هنر ضعیف می باشد ۶- روند مدیریت دانشگاه، قالبی و یک نواخت خواهد شد ۷- در صورت هماهنگ نشدن با سیاست های توسعه در دیگر بخش ها، باعث افزایش نرخ بیکاری و در نتیجه معضلات متعدد در جامعه خواهد شد.

## سناریو سوم

آموزش عالی به عنوان ترکیبی از کالاهای عمومی و خصوصی مطرح می باشد. در این سناریو وضعیت ایده آل را ترکیبی از فعل و انفعال بین روش های بازار و روش های تصمیم گیری دموکراتیک می داند. در این سناروی آموزش عالی به عنوان مسئولیتی ترکیبی و از آن به عنوان مدل دانشگاه یا دانشکده ای یاد می شود. بنابراین، سازمان متولی در این سناریو ترکیبی از دو مدل اخیر می باشد. به تبع نظام سازمانی توزیع، در خروجی این سناریو با تأکید بر تعادل، ترکیبی از خروجی های عمومی و خصوصی مطرح می باشد. در این صورت دولت به دانشگاه یارانه داده

و در عوض دولت از موسسات آموزش عالی توقعاتی را نیز دارا می باشد. این مدل بر اساس دو اصل ایده سنتی وابستگی مالی موسسات آموزش عالی و اعتماد به رابطه بین دولت و دانشگاه ها استوار می باشد. اگر چه در این مدل دولت به عنوان حاکم اصلی می باشد، با این جود، دولت به دانشگاه ها اختیار نحوی دخل و خرج آن را به خود دانشگاه واگذار یا به تعییری دیگر، مسئولیت برای توزیع مناسب و بهره مندی موثر منابع به این بخش داده می شود. همچنین، به دانشگاه ها اختیار برای جذب اعتیاب از دیگر منابع را تفویض کرده است. در مدل ترکیبی، همبستگی بین روش تأمین مالی انتخاب شده و کیفیت آموزش عالی برقرار می باشد. مفروضات اساسی، نقاط قوت و ضعف های این سناریو ترکیبی از دو سناریو قبلی می باشد. در ادامه، سناریوهای مطرح شده برای سرمایه گذاری در آموزش عالی، در جدول شماره ۲ ارائه شده است.



## سوال دوم: مکانیسم تأمین مالی در مدل سرمایه گذاری پیشنهادی چیست؟

نظر به ارائه سه سenario برای سرمایه گذاری در آموزش عالی، در این بخش از پژوهش برای هر یک از سenario های مطرح شده مکانیسم تأمین مالی ارائه شده است. مکانیسم های ارائه شده، با بررسی دقیق از سیستم های آموزش عالی موفق دنیا و همچنین از طریق بانک های اطلاعاتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بانک جهانی، موسسه بین المللی برنامه ریزی آموزشی، کمیسون آموزش اتحادیه اروپا، انجمن آموزش عالی آمریکا، صندوق بین المللی پول و دیگر پایگاه های داده ای به دست آمده است. در جدول ذیل هر یک از سenario های مطرح شده برای سرمایه گذاری آموزش عالی تحت عنوان مولفه دسته بندی و در مرحله بعد مکانیسم های تأمین مالی هر کدام با ذکر منبع بیان شده است.

هدف اساسی سوال حاضر این است که مهمترین مکانیسم‌های پیشنهادی برای مدل سرمایه گذاری پیشنهادی چیست. با توجه سوال شماره اول و انتخاب سناریو شماره سوم یعنی سناریو ترکیبی به عنوان منتخب پژوهش و هدف اساسی این سوال پژوهش، مهمترین مکانیسم‌های پیشنهادی برای سناریو انتخابی ارائه می‌شود. مکانیسم‌های ارائه شده، با بررسی دقیق از سیستم‌های آموزش عالی موفق دنیا و همچنین از طریق بانک‌های اطلاعاتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بانک جهانی، موسسه بین‌المللی برنامه ریزی آموزشی، کمیسون آموزش اتحادیه اروپا، انجمن آموزش عالی آمریکا، صندوق بین‌المللی پول و دیگر پایگاه‌های داده‌ای به دست آمده است.

بنابراین، در سناریو سوم، آموزش عالی به عنوان ترکیبی از کالاهای عمومی و خصوصی در نظر گرفته شده که به صورت مشترک توسط دولت و عملکرد سیستم بازار محور اداره می‌شود. مطابق با این سناریو، مدل آموزش عالی را مدل دانشگاه می‌نامند. در مدل دانشگاه، سرمایه گذاری و تامین مالی مشترکاً توسط دولت و بازار (دانشگاه) اداره خواهد شد. مدل حاضر به عنوان مرحله‌ای تبدیلی قلمداد می‌گردد که سیستم آموزش عالی از مدل دولتی به مدل بازار محور تبدیل می‌گردد. با توجه به بررسی منابع صورت گرفته، مهمترین مکانیسم‌های تامین مالی در مدل سرمایه گذاری آموزش عالی دولتی، به شرح ذیل می‌باشد.

| عنوان   | زیر مولفه  |
|---|--|
| بودجه بندی دانشگاهی بر مبنای پروژه‌های تحقیقاتی (رودلا و همکاران، ۲۰۱۵).  | استانداردسازی نظام اقتصادی در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها (لتو، ۲۰۱۲، مtar، ۲۰۰۹).   |
| بودجه مبتنی بر عملکرد (سازمان همکاری توسعه اقتصادی، ۲۰۰۶، کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا، ۲۰۱۳).  | تضمین کیفیت بیرونی توسط دولت (کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا، ۲۰۱۳، نیک، ۲۰۱۳).  |
| استفاده از نوآوری به عنوان شرط بودجه بندی (لتو، ۲۰۱۲) (دامستر، ۲۰۱۶)، (آرا، ۲۰۱۵).  | تجزیه و تحلیل پیامدهای کوتاه، متوسط و طولانی مدت (میلوز و اسلامدان، ۲۰۱۳).   |
| تامین مالی (بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰)، (آنا، ۲۰۱۴).  | دولت به دانشگاه یارانه داده (بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰).   |
| واسنگی مالی نسبی موسسات آموزش عالی به دولت (بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰).   | اعتماد به رابطه مالی بین دولت و دانشگاه (بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰).   |
| دانشگاه تصمیم گیرنده، اما سقف تعیین شده توسط دولت (آذانس اروپایی مدرنیزه کردن آموزش عالی، ۲۰۱۰).  | فروش املاک و مستغلات به مجوز مقامات دولتی تیاز دارد (آذانس اروپایی مدرنیزه کردن آموزش عالی، ۲۰۱۰).                                   |
| تخصیص وام به دانشجویان برای افزایش ثبت نام (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶)، (میلوز و اسلامدان، ۲۰۱۳)، (دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۰۶)، (متر، ۲۰۰۹). | دولت به دانشگاه‌ها اختیار نحوی دخل و خرج خود را واگذار (بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰)، (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶).                          |
| مسئولیت توزیع مناسب و بهره مندی موثر منابع به عهده دانشگاه (بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰).   | مسئلولیت توزیع مناسب و بهره مندی موثر منابع به عهده دانشگاه (بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰).   |
| تفویض اختیار به دانشگاه‌ها برای چذب اعتبار از دیگر منابع اتحادیه اروپا، ۲۰۱۰.   | کترل، نظارت، ارزیابی، استقلال دانشگاهی نقش موثر در این منابع (بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰)، (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶)، (متر، ۲۰۰۹).       |
| تخصیص‌های ملی از طریق دولت مرکزی و محلی (دفاتر اجرایی آموزش عالی دولت مرکزی آمریکا، ۲۰۱۷).  | افزایش کیفیت کلی مهارت‌های ارائه شده به دانشجویان (کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا، ۲۰۱۳)، (نیک، ۲۰۱۳) (کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷). |
| دانشگاه‌ها حق تعیین مبلغ هزینه تحصیل دارند، اما در اکثر کشورها این امر نباید کمتر از هزینه واقعی آموزش برای هر دانش آموز باشد.                                    | سیستم مالیات یارانه (دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶).  |
| همه دانشگاه‌ها، صرف نظر از سهم درآمد حاصل از دولت، (دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶)، (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶).                                | منابع مالی خصوصی نیز دارند.  |
| ساخت سیستم کنترل مالی داخلی مالی (لتو، ۲۰۱۲)، (دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶).   | ساخت سیستم کنترل مالی داخلی مالی (لتو، ۲۰۱۲)، (دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶).                                    |
| کاهش استانداردهای ورود به دانشگاه برای افزایش ثبت نام (گالبلایت، ۲۰۱۳).   | ترغیب بخش خصوصی و شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری (بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰).   |
| (دفاتر اجرایی آموزش عالی آمریکا، ۲۰۱۷)، (کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷).  | توسعه دیپلماسی در سیستم‌های آموزش عالی (کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷).  |
| تخصیص مالیات محلی (کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا، ۲۰۱۳)، (نیک، ۲۰۱۳).  | خصوصی سازی (دانشگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶).  |
| پابندی به مردم و در اولویت قرار دادن خدمت به آنها (لتو، ۲۰۱۲) (دامستر، ۲۰۱۶).   | پیروی از مدیریت مالی علمی و گسترش منابع مالی (لتو، ۲۰۱۲).  |
| (کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷)، (آنا، ۲۰۱۴)، (آذانس اروپایی مدرنیزه کردن آموزش عالی، ۲۰۱۰)، (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶).  | مدرنیزه کردن آموزش عالی،   |
| تشویق و حمایت از مشارکت بخش خصوصی، انجمن‌ها و نهادهای مردمی (کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷)، (آنا، ۲۰۱۴).   | مهندسی ساختمان قانونی مالی، اداری (کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷)، (آنا، ۲۰۱۴).  |

جدول شماره (۳). مکانیسم تامین مالی در مدل‌های سرمایه‌گذاری پیشنهادی

|  |
|--|
| ارتقاء سطح بین الملل سازی آموزش عالی<br>(کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷)  |
| ترویج تنوع منابع مالی<br>(ارینا و ارینز، ۲۰۱۵)   |
| ایجاد همکاری میان موسسات تحقیقاتی دیگر نهادها دولتی و غیره دولتی<br>(ارینا و ارینز، ۲۰۱۵)                    |
| دخلات دادن تمامی ذی نفعان در امور دانشگاه<br>(زماس، ۲۰۱۵) (دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶) |
| ارتقاء سطح استقلال در مدیریت منابع مالی<br>(ارینا و ارینز، ۲۰۱۵)<br>نووسازی، اصلاح آموزش عالی، (زماس، ۲۰۱۵)  |

### سوال سوم: راهکارهای تحقق مکانیسم‌های پیشنهادی چیست؟

مطابق با مصاحبه‌های به عمل آمده از متخصصان و صاحب نظران، راهکارهای تحقق مکانیسم‌های پیشنهادی به منظور ارائه مدلی برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی کشور شامل دو مولفه‌ی "اصلاحات ساختار سازمانی" و "اصلاحات ساختار وظیفه‌ای" تقسیم بندی شده است. به طور کلی هدف اصلی اصلاحات ساختاری در آموزش عالی، جذب سرمایه‌مالی آموزش عالی از طریق بازار آزاد و یا بخش خصوصی می‌باشد. این اصلاحات در دو بخش اصلاحات ساختار وظیفه‌ای و اصلاحات در ساختار سازمانی آموزش عالی صورت می‌گیرد. ترتیب کار بدین نحو است که با

انجام این دو اصلاحات در ساختار آموزش عالی، دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به طور سازمانی و وظیفه‌ای از استقلال سازمانی و نهادی برخوردار شده و از طریق مکانیسم‌های بازار آزاد و بخش خصوصی تامین اعتبار مالی و سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد.

اصلاحات ساختاری سازمانی در واقع تشکیلات، فرایندها و فناوری اطلاعات، نیروی انسانی و قوانین و مقررات می‌باشند که کارایی یا عدم کارایی هر یک از عوامل فوق بر عملکرد سایر عوامل و در نهایت سیاست‌های آموزش عالی تاثیر گذار است. اصلاح ساختار وظیفه‌ای آموزش عالی، سیاست‌گذاری، ماهیت، نوع، کارکردها و روش‌های آموزش عالی کشور می‌باشد. از دل مصاحبه‌های به عمل آمده، مهمترین مقوله‌های زیر مولفه‌های هر کدام از دو مولفه نهایی به شرح ذیل می‌باشند.

در زمینه اصلاحات ساختارسازمانی آموزش عالی، به منظور ارائه مدلی برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی کشور، اصلاح امور آموزشی و درسی را باید به عنوان یکی از مهمترین پیش‌بایست‌ها برای اصلاح ساختار سازمانی در نظر گرفت. امور آموزشی و پژوهشی شامل تمامی

محتوها، روش، ابزار، تجهیزات و فنون ارزشیابی می‌باشد. همه این موارد باید در راستای بازار کار بوده و نشأت گرفته از نیازهای بازار کار و ملزمات آن باشد و از طرفی بتواند پایه و اساس لازم را به عنوان دانشگاه مستقل دارد تا بتواند در بازار کار جذب سرمایه را داشته باشد. بنابراین، سیستم آموزش عالی باید ضمن آسیب شناسی از وضع موجود امور آموزشی و درسی و میزان تناسب آن با ملزمات بازار کار، به دید جامعی در این زمینه دست یافته و با ایجاد اصلاحات در امور مربوطه، زمینه را برای آموزش عالی بازار محور، فراهم آورد.

اصلاح امور پژوهشی و فناوری از امور مهم دیگری می‌باشد که باید ضمن آسیب شناسایی قوانین مربوطه زمینه را برای پویایی این قوانین در ارتباط با بازار کار فراهم کرد. امور پژوهشی در سیستم آموزش عالی به عنوان مبانی می‌باشد که نیازهای بازار کار را در زمینه‌های مختلف شناسایی می‌کند. علاوه بر این امور پژوهشی به عنوان مبنایی برای توسعه، توانمندسازی، گسترش و وسعت دید دانشجویان در بازار کار می‌باشد. در ادامه اصلاح امور فناوری و بهره گیری از فناوری‌ها در ارتباط با آموزش عالی و بازار کار، به عنوان دیگر مولفه‌هایی بود که در آموزش عالی بازار محور باید در نظر گرفته شود. از جمله مولفه‌های دیگری که در ارتباط با بازار کار باید در نظر داشت، اصلاح امور اداری می‌باشد. نتایج به دست آمده تأکید دارد که، باید ضعف‌های اداری موجود در ارتباط بازار کار و آموزش عالی را شناسایی کرده و اقدام به مهندسی مجدد امور اداری جهت هماهنگی و تسهیل ارتباط آموزش عالی و بازار کار را مهیا کرد. همچنین، مقوله محدودیت‌های مالی از جمله مهمترین مقوله‌های دیگر می‌باشد که باید ضمن رفع موانع موجود، تامین مالی لازم را فراهم و باعث تحرک علمی در این موضوع شود. مقوله دیگر که در جریان مصاحبه مورد شناسایی قرار گرفت، اصلاح امور دانشجویی می‌باشد. دانشجویان به عنوان مشتریان اصلی آموزش عالی می‌باشند و تولیدات آنها به عنوان جریان اصلی در دانشگاه به شمار می‌آید. بنابراین، لازم است تا تمامی امور دانشجویان در ارتباط با بازار کار در نظر گرفته شده و عرصه را بر آنها گشود.

دیگر راهبرد به دست آمده برای اصلاح ساختار آموزش عالی بازار محور، اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی می‌باشد. اعتقاد متخصصان و صاحب نظران بر این است که با توجه به ماهیت ویژه آموزش عالی و از طرفی دیگر، نوع حکومت داری دولت مدار و مرکز بودن آموزش عالی کشور، جهت ارائه مدلی برای سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور، ضرورت دارد تا درساختار وظیفه ای آموزش عالی نیز اصلاحاتی صورت گیرد. به اعتقاد متخصصان، آموزش عالی باید

برای هماهنگی و اتخاذ رویکرد مناسب با بازار کار، باید در اساس، ماهیت، نوع، کارکردها و روش‌های خود نیز اصلاحاتی را انجام دهن. در ادامه، با توجه به مصاحبه‌های به عمل آمده، مقوله‌هایی برای اصلاح ساختار وظیفه‌ای ارائه می‌گردد.

مهمترین مقوله به دست آمده برای اصلاح ساختار وظیفه‌ای آموزش عالی که تاکید بسیاری بر روی آن شده و بیشترین کدهای باز را به خود اختصاص داده، سیاستگذاری آموزش عالی می‌باشد. دلیل اهمیت آن به گونه است که در فرایند سیاستگذاری، اولویت‌ها، جهت‌ها، رویکردها و وظیفه اصلی آموزش عالی مشخص می‌شود، بنابراین، ضرورت دارد در ابتدا، سیاستگذاری آموزش عالی، وظیفه اصلی آموزش عالی را بر محور بازار کار و ملزمات آن تنظیم نماید و برای تحقق آن برنامه‌ریزی نماید.

یکی دیگر از مقوله‌های مهم که باید برای اصلاحات ساختار وظیفه‌ای آموزش عالی در نظر داشت، تاسیس دانشگاه کارآفرین می‌باشد. به اعتقاد آنها، دانشگاه کارآفرین در صدد تربیت افراد با توانایی راه اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه، تجاری سازی یافته‌های پژوهش دانشگاهی و به تبع آن ارتباط دانشگاه با تمامی بخش‌های اقتصاد و جامعه، است. بنابراین، دانشگاه کارآفرین به عنوان یکی از مهمترین ابزارهایی می‌باشد که ساختار وظیفه‌ای آموزش عالی را بنا بر ماهیت و کارکرد اصلی خود، به سمت بازار کار هدایت می‌کند و زمینه را برای همسویی سیاست‌های آموزش عالی با سیاست‌های بازار کار فراهم می‌کند.

از جمله مهمترین مقوله‌های دیگر که باید برای اصلاحات در ساختار آموزش عالی مبتنی بر بازار کار در نظر گرفت، استانداردسازی سرمایه‌های انسانی می‌باشد. استانداردسازی فرایندی طولانی مدت می‌باشد که در طی زمان بر کیفیت برونو داد آموزش عالی و به تبع آن بازار کار نیز تاثیر چشمگیری خواهد داشت. بنابراین، دست اندکاران آموزش عالی، باید استانداردسازی نیروی انسانی را به عنوان یکی از کارکردها و وظایف خود در نظر گرفته و عملیاتی کنند.

آمایش آموزش عالی هم به عنوان یکی دیگر از مهمترین مقوله‌هایی می‌باشد که باید برای اصلاح ساختار وظیفه‌ای آموزش عالی مد نظر قرار گیرد. منظور از آمایش آموزش عالی و نقش آن در اصلاح ساختار وظیفه‌ای آموزش عالی بازار محور، این است که با هدف مأموریت‌گرایی در آموزش عالی و سوق دادن فعالیت دانشگاه‌ها در جهت استفاده بهینه از قابلیت‌ها و توانمندی‌های استان‌ها و مناطق مختلف کشور در جهت رشد و توسعه همه جانبه آنها می‌باشد. بنابراین،

شاپیته است دست اندکاران آموزش عالی کشور، آمایش آموزش عالی را به عنوان یکی از مهمترین بایدها در توسعه و گسترش آموزش عالی در نظر داشته باشند.

عصر حاضر عصر نوآوری و تکنولوژی نامیده شده است. نوآوری و تکنولوژی در تمامی زمینه‌ها نفوذ پیدا کرده و باعث تحول در کارکرد‌ها و وظایف آنها شده است. آموزش عالی هم به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های جامعه از این تأثیر، مستثنی نمی‌باشد. بنابراین، دست اندکاران آموزش عالی باید با استفاده از دست اوردها و ظرفیت‌های نوآوری و تکنولوژی، زمینه ساز توسعه، بهره‌وری، کارایی و بهبود آموزش عالی بازار کار مدار شود.

مفهوم دیگر که در اصلاحات ساختار وظیفه‌ای آموزش عالی به آن اشاره شده است، تقویت سرمایه فکری و انسانی می‌باشد. از جمله، دلایل مهم بودن این مقوله از نظر متخصصان و صاحب نظران، می‌توان به اهمیت ویژه توسعه سرمایه فکری در ایجاد مزیت رقابت پایدار، بهبود فضای آموزش عالی و کسب و کار و در نهایت خروجی نهایی کارا و اثربخش آموزش عالی و بازار کار اشاره داشت.

مدیریت دانش از جمله مهمترین مقوله‌های اصلاح ساختار وظیفه‌ای آموزش عالی می‌باشد که از مصاحبه با متخصصان و صاحب نظران به دست آمده است. دلیل اهمیت این مقوله را می‌توان در خصیت‌ها و استراتژی‌های مدیریت دانش در هماهنگی میان تولید، انتقال و توسعه دانش به دست آمده در آموزش عالی و بکارگیری آن در فضای کسب و کار دانست. بنابراین، سیستم آموزش عالی باید کارکرد مدیریت دانش را به عنوان یکی از مهمترین استراتژی‌های اصلاح ساختار وظیفه‌ای خود پذیرفته و نهادینه نماید.

از دیدگاه متخصصان و صاحب نظران، توسعه زیر ساخت‌ها به عنوان دیگر مقوله مهم در جریان اصلاح ساختار وظیفه‌ای آموزش عالی بازار کار مدار می‌باشد. بنابراین، دست اندکاران آموزش عالی، باید توسعه‌ی زیرساخت‌های سرمایه‌ای، الکترونیکی، و زیربنایی آموزش عالی را متناسب با کارکردهای آموزش عالی و بازار کار اصلاح و بازسازی نمایند.

یکی دیگر از مهمترین استراتژی‌هایی که باید به عنوان کارکردی مهم در جریان اصلاح ساختار وظیفه‌ای آموزش عالی در نظر گرفته شود، توسعه دیپلماسی علم و فناوری می‌باشد. موضوع اصلی دیپلماسی علم و فناوری استفاده از ظرفیت‌های علم و فناوری برای تحقق اهداف سیاست خارجی و استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک در جهت رشد و توسعه علم و فناوری کشور می

باشد. به تعبیری دیگر، با استفاده از ظرفیت های بالقوه این مقوله می توان برای توسعه کسب و کار در آموزش عالی و از طرفی دیگر بهبود خروجی های آموزش عالی زمینه سازی کرد. بنابراین، با توجه به اهمیت ویژه این مقوله، لازم است در فرایند اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی در نظر گرفته شده و تدبیر لازم برای استفاده از ظرفیت های بالقوه دیپلماسی علم و فناوری بکار گرفته شود.

تدوین نظام حقوقی و دارایی های فکری به عنوان مقوله ای دیگر می باشد که متخصصان و صاحب نظران، آن را به عنوان عامل مهم در اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی پیشنهاد داده اند. بنا بر عقیده آنها، برای اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی متناسب با بازار کار، ضرورت دارد نظام حقوقی و دارایی های فکری به عنوان استراتژی امنیت، تضمین و ثبات دستاوردها و یافته ها در درون سیستم آموزش عالی و بازار کار، در نظر گرفته شود. بنابراین، سیستم آموزش عالی باید تدوین نظام حقوقی و دارایی های فکری را به عنوان وظیفه و کارکرد حقوقی خود در جریان سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور در نظر گرفته و عملیاتی سازد.

مقوله بازاریابی آموزش عالی از دیدگاه متخصصان و صاحب نظران به عنوان عامل دیگری می باشد که در جریان اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی باید در نظر گرفته شود. بنا بر عقیده متخصصان و صاحب نظران، این استراتژی نقش کلیدی را در جریان شناسایی نیازهای بازار کار و دستیابی آموزش عالی به جامعه هدف و در نتیجه پویایی آموزش عالی در ارتباط با جامعه بیرون دارد. بنابراین، دست اندرکاران آموزش عالی باید، در جریان اصلاح ساختار آموزش عالی، این فرایند را به عنوان یکی از وظایف و کارکردهای مهم خود در نظر گرفته تا بتواند تناسب و هماهنگی لازم را بین سیستم آموزش عالی و بازار کار برقرار سازند.

بعد از مشخص شدن راهکارهای تحقق مکانیسم های پیشنهادی برای ارائه مدل سرمایه گذاری در آموزش عالی، از دل مصاحبه های به عمل آمده، مهمترین شرایطی که باید برای راهکارهای تحقق مکانیسم های پیشنهادی در نظر گرفت، به شرح ذیل می باشد:

فرآهم کردن تمامی زیر ساخت ها؛ مشارکت بخش خصوصی و سه بخش اقتصاد؛ تغییر نوع نگاه به آموزش عالی؛ بنگاه داری دانشگاهی؛ استقلال دانشگاهی؛ مهندسی سیستم برنامه ریزی منابع انسانی؛ مدیریت منابع انسانی حرفه گر؛ شناسایی نیازهای بازار کار؛ مدل سازی عرضه و تقاضای نیروی انسانی؛ رشد اقتصادی مطلوب؛ پویایی های بازار؛ مشارکت گروه های ذی نفع

متفاوت؛ فناوری و استراتژی سازمانی آموزش عالی و بازار کار؛ بازنگری و تجدیدنظر راهبرد؛ حمایت دولت؛ مشارکت و باور ذی نفعان درونی؛ تلاش و ذهنیت مدیران؛ تعهد مشتریان به پیمان عقد شده؛ فرهنگ سازی؛ اصلاح بازار نوسانات ارزی؛ رفع موافع سیاسی و قانونی.

### بحث و نتیجه گیری:

امروزه بحران های مالی در اکثر کشورهای جهان مطرح می باشد. در این بین بخش آموزش عالی به عنوان یکی از مهمترین بخش های هر جامعه ای می باشد که دارای بار کارکردی متفاوتی می باشد. مساله تامین مالی در این بخش از جامعه به عنوان مساله ای بنیادین یاد شده که در صورت اخلال و عدم تخصص بهینه و مطلوب به بخش مربوطه، کارکردهای بنیادین این بخش با دچار اخلال و در نتیجه با توجه به نقش اساسی این کارکردها در فرانید کشور داری، دیگر بخش های کشور نیز مختل خواهند شد. کند.

در گزارشی که از بانک جهانی در سال ۱۹۹۴ ارائه شده، مشخص شده است که در حال حاضر مسئولیت دولت ها بیشتر به سمت تعیین عوامل و شاخص های کلی و وضع چارچوب قانونی دقیق و مشخصی که بتوانند بر گسترش نظام های متفاوت آموزش عالی به شکلی بهتر به نیازهای اقتصاد ملی و توسعه منابع انسانی پاسخ دهند، معطوف شده است(آلهو و همکاران، ۱۳۸۹). به همین دلیل، در سال های اخیر به مؤسسات آموزش عالی اختیارات بیشتری در تخصیص داخلی منابع و بازگردان اعتبارات دولتی و استفاده از رویکردهای بازار برای کسب درآمدهای غیر دولتی داده شده است(امیری و همکاران، ۱۳۸۹).

بنابراین شایسته است به مساله تامین مالی و سرمایه گذاری بهینه در این بخش توجه ویژه شود. اساس توجه به مسائل مالی در آموزش عالی به مباحث اقتصاد آموزش بر می گردد که صاحبان تئوری های اقتصادی بر این امر وفاق نظر دارند. پژوهش حاضر با در نظر داشتن اهمیت و ضرورت مساله تامین مالی و سرمایه گذاری آموزش عالی، ابتدا بر اساس نوع نگاه به آموزش عالی، زمینه اصلی سیاسی و ایدئولوژیکی، مساله تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی را در سه دسته آموزش عالی با مسولیت دولتی، آموزش عالی با مسولیت خصوصی و در نهایت آموزش عالی با مسولیت ترکیبی بیان کرده، سپس مکانیسم های تامین مالی هر کدام را ارائه

نموده و در پایان، با توجه به شرایط موسسات آموزش عالی در کشورمان، به ارائه مدلی جهت سرمایه‌گذاری در آموزش عالی پرداخته است.

سناریو اول: آموزش عالی را به عنوان کالای خصوصی در نظر گرفته که سازمانها و نهادهای خصوصی آن را اداره کرده و دولت در آن هیچ دخالتی نمی‌کند. در این سناریو تاکید بر ویژگی‌های خصوصی و شخصی فرد در ابعاد ورودی و خروجی می‌باشد. مکانیسم توزیع در این سناریو توسط بازار در عرصه خصوصی صورت می‌گیرد. این سناریو در سیستم‌های آموزش عالی غیر مرکز و ایالتی مطرح است. در این سناریو، دسترسی به آموزش عالی محدود به کسانی است که می‌توانند هزینه آن را بپردازند. نابرابری در سیستم آموزش عالی رخ داده و به تبع آن شکاف طبقاتی در جامعه بیشتر می‌شود.

سناریو دوم: آموزش عالی به عنوان کالایی عمومی و تحت مسؤولیت عمومی در نظر گرفته شده است. در این سناریو وظیفه ارائه آموزش عالی توسط دولت حاکم تعریف شده و در ورودی و خروجی آن تاکید بر عمومی بودن آموزش عالی می‌باشد. سازمان توزیع در این سناریو، با روش تصمیم‌گیری دموکراتیک عمل می‌کند و بیشتر در نظام‌های آموزش عالی مرکز مطرح است. از مهمترین معایب این سناریو اینکه، آزادی علمی آموزش عالی محدود شده و دانشگاه نمی‌تواند قدرت و نفوذ دولت مرکزی در امور آموزش عالی را کنترل کند که این به نوبه خود باعث کاهش شدید افت علمی آموزش عالی می‌شود.

در مدل پیشنهادی پژوهش حاضر، آموزش عالی به عنوان ترکیبی از کالاهای عمومی و خصوصی مطرح می‌باشد. در این سناریو وضعیت ایده آل را ترکیبی از فعل و انفعال بین روش‌های بازار و روش‌های تصمیم‌گیری دموکراتیک می‌داند. در این سناریو آموزش عالی به عنوان مسئولیتی در ترکیبی و از آن به عنوان مدل دانشگاه یا دانشکده ای یاد می‌شود. بنابراین، سازمان متولی در این سناریو ترکیبی از دو مدل اخیر می‌باشد. به تبع نظام سازمانی توزیع، در خروجی این سناریو با تاکید بر تعادل، ترکیبی از خروجی‌های عمومی و خصوصی مطرح می‌باشد. مفروضات اساسی، نقاط قوت و ضعف‌های این سناریو ترکیبی از دو سناریو قبلی می‌باشد.

برای هر کدام از مدل‌های سرمایه‌گذاری آموزش عالی، بر اساس بررسی منابع صورت گرفته، مکانیسم‌های تامین مالی آن ارائه شده است. می‌توان سه مدل مطرح شده را بر روی برداری فرض کرد که از کمترین کارایی و اثربخشی به بالاترین میزان برخوردار می‌باشند. در این بردار،

مدل بازار از بالاترین، مدل دولتی از کمترین و مدل ترکیبی وضعیت بینایین را نیز دارا می باشد. پژوهش حاضر در ادامه بررسی های جامع در سه سناریو مطرح شده برای سرمایه گذاری آموزش عالی و مکانیسم های آن، مدل ترکیبی را به عنوان مدل نهایی جهت سرمایه گذاری در آموزش عالی ایران در نظر گرفته است. در این مدل دانشگاه و دولت مشترکاً، مسولیت تامین منابع مالی دانشگاه را به عهده دارند. به نظر می رسد با توجه به وضعیت موجود آموزش عالی کشور و همچنین اراده لازم برای تفویض اختیار به دانشگاه ها برای تامین منابع مالی خود(متن قانون برنامه ششم توسعه آموزش عالی)، این مدل برای شرایط حاضر کشور مناسب می باشد. در واقع مدل منتخب پل ارتباطی بین دو طیف مرکز و غیر مرکز می باشد. و آن را می توان به عنوان نوعی فرهنگ سازی برای تفویض کامل و استقلال مالی همه جانبی آموزش عالی در نظر گرفت. بنابراین، برای تحقق شرایط مدل منتخب در سیستم آموزش عالی، باید الزمات و اصلاحاتی را در سیستم آموزش عالی فراهم کرد و بر این اساس زمینه را برای تحقق این مدل مهیا نمود. پژوهش در ادامه برای شناسایی شرایط تحقق مدل منتخب، با استفاده از متخصصان و پژوهشگران حیطه آموزش عالی که ارتباط نزدیکی با مساله پژوهش حاضر داشته و نسبت به نظام آموزش عالی کشور اطلاعات کافی در اختیار داشتند، مصاحبه و با استفاده از تحلیل تم صورت گرفته، مهمترین راهکارهای تحقق مدل منتخب در سیستم آموزش عالی را ارائه داده است. مطابق با مصاحبه های به عمل آمده از متخصصان و صاحب نظران، راهکارهای تحقق مکانیسم های پیشنهادی به منظور ارائه مدلی برای سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور شامل دو مولفه "اصلاحات ساختار سازمانی" و "اصلاحات ساختار وظیفه ای" تقسیم بندی شده است. اصلاحات ساختاری سازمانی در واقع تشکیلات، فرایندها و فناوری اطلاعات، نیروی انسانی و قوانین و مقررات می باشند که کارایی یا عدم کارایی هر یک از عوامل فوق بر عملکرد سایر عوامل و در نهایت سیاست های آموزش عالی تاثیر گذار است.

در زمینه اصلاحات ساختارسازمانی آموزش عالی، مقوله های اصلاح امور آموزشی و درسی، اصلاح امور پژوهشی و فناوری، اصلاح امور اداری و مالی و اصلاح امور دانشجویی به عنوان مهمترین راهکارهای اصلاحات ساختاری آموزش عالی معرفی گردید.

دیگر راهبرد به دست آمده برای اصلاح ساختارآموزش عالی بازار محور، اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی می باشد. اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی، سیاستگذاری، ماهیت، نوع، کارکردها و روش های آموزش عالی کشور می باشد. مهمترین مقوله های به دست آمده برای

اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی که تاکید بسیاری بر روی آن شده، سیاستگذاری آموزش عالی، تاسیس دانشگاه کارآفرین، استانداردسازی سرمایه های انسانی، آمایش آموزش عالی، نوآوری و تکنولوژی در آموزش عالی، تقویت سرمایه فکری و انسانی، مدیریت دانش، توسعه زیرساخت های سرمایه ای، الکترونیکی، و زیربنایی آموزش عالی، توسعه دیپلماسی علم و فناوری، تدوین نظام حقوقی و دارایی های فکری، و بازاریابی آموزش عالی می باشد. در ادامه، مهمترین شرایطی که باید برای راهکارهای تحقق مکانیسم های پیشنهادی در نظر گرفت، نیز ارائه شده است.

در پایان شایان ذکر است که با انجام این دو اصلاحات در ساختار آموزش عالی، دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی به طور سازمانی و وظیفه ای از استقلال سازمانی و نهادی برخوردار شده و از طریق مکانیسم های بازار آزاد و بخش خصوصی تامین اعتبار مالی و سرمایه گذاری صورت می گیرد. در مقام مقایسه یافته های پژوهش باید اشاره کرد که پژوهش های اندکی به مساله پژوهش حاضر پرداخته اند که این پژوهش های اندک نیز، به صورت جامع، و یکپارچه به موضوع مدل های تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی نپرداخته اند.

## منابع:

امیری، مجتبی، مقیمی، سید محمد و قربانی، فاطمه (۱۳۸۹). چالش ها، موانع و ساز و کارهای نظام های بودجه ریزی در آموزش عالی: مطالعه ای موردی: دانشگاه تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷ ، شماره ۵۹.

انتظاری، یعقوب و محجوب عشت آبادی، حسن (۱۳۹۳، الف). انتخاب سازوکار و روش مناسب برای تخصیص منابع عمومی به آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۶۸

تبریزی، منصوره. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۶۴ ، بهار ۱۳۹۳.

توفیقی، جعفر و فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۳). بررسی، آسیبشناسی و طراحی الگوی مطلوب اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در توسعه آموزش عالی ایران. تهران: معاونت علمی و فناوری ریاست جمهور، معاونت توسعه فناوری.

رسه مقدم، آرش و نادری، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). *الگوهای تأمین منابع مالی و استخراج آموزه هایی برای نظام آموزش عالی ایران*. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال هفتم، شماره ۲.

سعیدی، علی (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر میزان تخصیص منابع مالی درون دانشگاههای دولتی ایران با استفاده از داده‌های تابلویی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۷۱.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند نقشه جامع علمی کشور. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

شورای عالی آموزش و پژوهش. (۱۳۹۰). سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم انداز (سند مشهد مقدس). تهران: شورای عالی آموزش و پژوهش.

عزنی، میترا و نادری، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). تأثیر سازکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروه‌های آموزشی دانشگاهی: مطالعه موردی دانشگاه تهران. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی*، ۵.

کردی، محمد علی (۱۳۹۰). طراحی نظام بودجه بندي عملیاتی در آموزش عالی، پایان نامه دوره کارشناسی، ارشد حسابداری، دانشگاه قم، دانشکده مدیریت.

قارون، معصومه. (۱۳۷۵). بررسی راههای تأمین منابع مالی دانشگاهها. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی‌یاموزش عالی. ۱۰.۲.

قارون، معصومه. (۱۳۸۰). مروری بر نحوه تأمین منابع مالی آموزش عالی در منطقه آسیا و اقیانوسیه و رهیافت‌هایی برای ایران. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۲۰.

قارون، معصومه. (۱۳۹۲). معرفی الگوی برآورده منابع مالی مورد نیاز برای اهداف کلان بخش علوم، تحقیقات و فناوری از محل منابع عمومی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۶۷.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

نورشاھی، نسرین (۱۳۷۲). جایگاه آموزش عالی در مقایسه با ۲۶ کشور جهان. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی*، ۴.

#### مراجع :

- Ala, C. (2015). Comparative Analysis of University Financial Autonomy in Lithuania, Scotland, Sweden, Denmark and Romania, Academy of Economic Studies of Moldova, EUniAM Task Force Mission Team.
- Alho,Juha M. Salo,Mikko A.(2000) .Merit rating and formulabased resource allocation. *The International Journal of Educational Management*,Vol 14 ,p:95100
- Arbo, P. & Benneworth, P. (2007), Understanding the Regional Contribution of Higher Education Institutions: A Literature Review, oecd Education Working Paper, No. 9, oecd, Paris.
- Ana, G. D. F. (2014). Financing Higher Education in Latin America, INTERNATIONAL HIGHER EDUCATION Number 74 Winter 2014, Pages 22-24.
- Bergan, S., Weber, L. (2005). The Public Responsibility for Higher Education and Research. Council of Europe.
- Birutė, P and Aurelija, P. (2010). the financing models of the higher education system, Jurisprudence, Mykolo Romerio universitetas.
- Commission European. (2017). The 2017 Annual Work Programme for the implementation of“ Erasmus+”: the Union Programme for Education, Training, Youth and Sport. C(2017)705 of 10 February 2017.
- Corrigan, T. D.(2012). The Current State of Financial Education in the US: How is Higher Education Helping? International Series on Consumer Science, © Springer Science+Business Media, LLC 2012.
- Dobbins, M., Knill, C., & Vöglte, E. M. (2011). An analytical framework for the cross-country comparison of higher education governance. *Higher Education*, 62(5), 665–683.
- EUROPEAN COURT OF AUDITORS European Union. (2016). Implementing the EU budget through financial instruments — lessons to be learnt from the 2007- 2013 programme period, Publications Office of the European Union, 2016.
- The European Students' Union. (2013). Compendium on financing of higher education, Final report of a project named Financing the Students' Future, by the European Students' Union ESU, Brussels, January 2013.

. Elo, Satu & Kyngas, Helvi (2007). The Qualitative Content Analysis Process. Journal of Advanced Nursing. 2008. Wiley online library

European Commission higher education modernization. (2010). Funding higher education: a view across Europe, European Centre for Strategic Management of Universities

Estefan, G. M. mihaela, S and viorelaligia, V. (2015). Comparative analysis of University Education Systems from the Central and Eastern European Countries, Procedia Economics and Finance 32 ( 2015 ) 1276 – 1288.

Jana Erinaa, J and Erinsb, I. (2015). Assessment of Higher Education Financing Models in the CEE Countries. Procedia - Social and Behavioral Sciences 177 ( 2015 ) 186 – 189.

Hsiu-Fang, Hsieh & Shannon, Sarah. E. (2005). Three Approaches To Qualitative Content Analysis. Qualitative Health Research. November. 2005.

Galbraith, Peter (2013). Out of the Frying Pan: Into the Fire of Post-Global Financial Crisis (GFC) University Management, Higher Education Policy, 2013, 26, (523–550).

Goddard, J. (2005), Institutional Management and Engagement with the Knowledge Society. Higher Education Management and Policy, Vol. 17. oecd.

OECD. (2006). Funding Systems and their Effects on Higher Education Systems – Norway, NIFU STEP – Studies in Innovation, Research and Education.

OECD. (2006). Going for Growth, Economic Policy Reforms, Structural Policy Indicators, Priorities and Analysis, published on the responsibility of the Secretary-General of the OECD.

OECD. Education at a Glance. (2010). Key indicators on education: How much public and private investment is there in education, Table B3.2b available at:

[http://www.oecd.org/document/55/0,3746,en\\_2649\\_37455\\_46349815\\_1\\_1\\_37455,00.html](http://www.oecd.org/document/55/0,3746,en_2649_37455_46349815_1_1_37455,00.html).

OECD. (2006). Four Future Scenarios for Higher Education. <http://www.oecd.org/edu/highereducationandadultlearning/ceriuniversity>.

Marginson, Simon (2007). The public/private divide in higher education: A global revision. Higher Education (2007) 53: 307 – 333. The paper was adapted from a keynote address to the Conference of Higher Education Researchers (cher), University of Twente, Enschede, 19 September 2004 on the public/private question.

María, M F. Ciro, A. Javier, B. Á. Francisco, H. P. and Sergio, U. (2017). At a Crossroads Higher Education in Latin America and the Caribbean, International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank. 1818 H Street NW, Washington, DC 20433.

Manar, S. (2009). Funding Policy and Higher Education in Arab Countries, Comparative & International Higher Education 1 (2009).

Milosavljević, M., Benković, S. (2014). Education as a driver of entrepreneurship among graduates in Serbia, Actual Problems of Economics, in press.

Min-xuan, z. (2006). A financial perspective: categories of higher education institutions. Higher Education Press and Springer-Verlag 2006.

M.J. Dumestre. (2016). Financial Sustainability in US Higher Education, palgave macmillan, This Palgrave Macmillan imprint is published by Springer Nature The registered company is Nature America Inc. New York.

Miloš, M. Slađana, B. (2013). THEORETICAL CHALLENGES OF FINANCING HIGHER EDUCATION IN THE WEST BALKANS REGION. Conference Proceedings, 16th Toulon-Verona Conference "Excellence in Services"University of Ljubljana, Slovenia, 29-30 August 2013.

Mould, O., Vorley, T., Roodhouse, S. (2008). Realising capabilities—academic creative ties and the creative industries. Creative Industries Journal, Vol. 1:2.

Nik, H. (2013). Why investestest in Higher Education? by the European Students' Union ESU, Brussels, January 2013.

Pritchard. R. M. O. et al. (2016), Positioning Higher Education Institutions Sense Publishers. All rights reserved.

Pollitt, C., & Bouckaert, G. (2000). Public management reform: A comparative analysis. Oxford: Oxford University Press.

Liu, S. (2012). Research on Financial Management Connotation of Colleges and Universities Based on Management Innovation. Springer Heidelberg New York Dordrecht London.

The European Students' Union. (2016). Compendium on financing of higher education, Final report of a project named Financing the Students' Future

Thomas, David R. (2006). A General inductive approach for qualitative data analysis. American Journal of Evaluation. Vol27. No. 2

Raudla, R. Karo, E. Valdmaa, K and Kattel, R (2015). Implications of project-based funding of research on budgeting and financial management in public universities, Springer Science+Business Media Dordrecht 2015.



State Higher Education Executive Officers. (2017). State Higher Education Finance (SHEF) FY 2016, available at [www.sheeo.org](http://www.sheeo.org). and website at [www.higheredinfo.org](http://www.higheredinfo.org).

Universities UK (2009), The impact of universities on the UK economy, 4th report, p.5. Available at:

<http://www.universitiesuk.ac.uk/Publications/Pages/ImpactOfUniversities4.aspx>

Welpe, I. M. Wollersheim, j. Ringelhan, R. Osterloh, M. (2015). Incentives and Performance, overnance of Research Organizations, German Federal Ministry of Education and Research.

Wilkinson, David & Birmingham, Poter (2003). Using Research Instruments: A Guide for Researchers. London: Routledge

Zmas. A. (2015). Financial crisis and higher education policies in Greece: between intra- and supranational pressures. High Educ 69:495–508. This